



افزایش نرخ باروری در ایران به سطح جانشینی/جمعیت تاچنددهه تضمین شد

کاهش نرخ باروری در کشور طی سال‌های اخیر به قدری نگران کننده بود که حالا خبر افزایش میزان باروری به سطح جانشینی و عدد ۲.۱ کارشناسان را شگفت زده کرده است.

کاهش نرخ باروری در کشور طی سال‌های اخیر به قدری نگران کننده بود که حالا خبر افزایش میزان باروری به سطح جانشینی و عدد ۲.۱ کارشناسان را شگفت زده کرده است.

گروه جامعه-ناصر جعفرزاده: افزایش نرخ باروری در کشور همواره یکی از دغدغه‌های مسئولان و کارشناسان جمعیتی کشور طی سال‌های اخیر بوده است. در همین راستا یکی از بندهای سیاست‌های کلی جمعیت ابلاغی مقام معظم رهبری در اردیبهشت ۹۳ هم به همین موضوع اشاره دارد. حالا پس از فراز و نشیب‌های فراوان، که گاه از اظهارنظرهای کارشناسی پا را فراتر گذاشته و به دعوای رسانه‌ای هم رسیده بود، رئیس موسسه مطالعات جمعیتی کشور معتقد است نرخ باروری در کشور به حدود سطح جانشینی رسیده است.

نگاهی به تحولات جمعیتی کشور طی چند دهه اخیر نشان می‌دهد ایران در نیمه دوم قرن بیستم تحولات چشمگیری را در باروری تجربه کرده است. پس از اعمال برنامه‌های تنظیم خانواده در دهه ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰، باروری بالای آن سال‌ها اندکی کاهش یافت، ولی همزمان با شرایط انقلاب و تحولات اجتماعی و فرهنگی و نیز توقف برنامه‌های تنظیم خانواده، سطح باروری مجدداً روند افزایشی گرفت. این روند افزایشی در سال‌های میانی دهه ۱۳۶۰ رو به کاهش گذاشت. سرعت کاهش باروری در نیمه دوم دهه ۶۰ و به ویژه دهه ۷۰ چشمگیر بود و باروری در اوایل دهه ۸۰ به سطح جانشینی رسید اما روند کاهشی باروری آرام شد و در سال ۹۰ نرخ باروری کشور به حدود ۱.۸ رسید.

افزایش نرخ باروری کلی به سطح جانشینی

مطالعات انجام شده در مورد سطح و روند باروری در کشور اوایل دهه ۴۰ حدود ۷ فرزند برای هر زن در سن باروری بود که در سال‌های دهه ۵۰ و با اجرای برنامه‌های تنظیم خانواده میزان باروری در کشور کاهش یافت. با این حال با توجه به شرایط خاص اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اداری کشور در سال‌های پایانی دهه ۵۰ و اوایل دهه ۶۰ از جمله توقف برنامه‌های تنظیم خانواده و جنگ تحمیلی، میزان باروری بار دیگر به حدود ۷ فرزند برای هر زن افزایش یافت. با اجرای سیاست‌های تنظیم خانواده از اواخر دهه ۶۰ و اوایل دهه ۷۰ میزان باروری بار دیگر در کشور روند کاهشی گرفت. البته مطالعات نشان می‌دهد میزان باروری کل در کشور از سال ۶۴ و پیش از اجرای برنامه تنظیم خانواده روند کاهشی گرفته بود که در این میان توسعه شبکه بهداشت در روستاها و کاهش مرگ و میر کودکان، تقاضا برای فرزندآوری بیشتر را در خانواده‌ها کم کرد. ادامه همین شرایط موجب کاهش شدید باروری در کشور در دهه ۷۰ شد و میزان باروری در سال ۸۰ به حدود ۱.۹ و در سال ۹۰ به حدود ۱.۸ کاهش یافت.

کارشناسان می‌گویند پس از فراز و نشیب‌های زیاد تحولات جمعیتی در سه دهه گذشته، در سال‌های اخیر نشانه‌هایی از افزایش میزان باروری در کشور به چشم می‌خورد. تغییر سیاست‌های جمعیتی کشور در سال‌های اخیر با توجه به رسیدن به باروری پایین‌تر از حد جانشینی و پیشگیری از پیامدهای منفی آن صورت گرفت و آمار حاکی از افزایش اندک باروری در سال‌های اخیر است.

بر خلاف برخی تصورات، تداوم باروری در سطح جانشینی به معنای رشد جمعیتی صفر یا منفی در آینده نزدیک نیست و چون متولدان بعد از انقلاب هنوز در سن باروری هستند، در دهه‌های آینده نیز جمعیت با رشد مثبت خواهد داشت محمدجلال عباسی شوازی، رئیس موسسه مطالعات جمعیت کشور با تایید مطلب فوق می‌گوید: نتایج منتشر شده از سوی سازمان ثبت احوال هم نشان می‌دهد که طی دوره چهار ساله از سال ۹۰ تا ۹۴ تعداد موالید ۱۳.۶ درصد افزایش یافته است و این در حالی است که زنان ۲۰ تا ۳۴ ساله که حدود ۷۵ درصد موالید را به دنیا می‌آورند، کمتر از نیم درصد افزایش داشته است. نتایج اولیه سرشماری سال ۹۵ هم حاکی از آن است که جمعیت ۴-۵ ساله اندکی افزایش داشته است و این روند نشان دهنده افزایش میزان باروری در پنج سال اخیر است. با در نظر گرفتن الگوی فرزندآوری، پیش‌بینی می‌شود در صورت عدم تغییر سن ازدواج، سطح باروری تا دهه آینده تغییر اندکی داشته باشد. نکته مهم این است که برخلاف برخی تصورات، تداوم سطح فعلی باروری در سطح جانشینی به معنای رسیدن به رشد جمعیتی صفر یا منفی در آینده نزدیک نیست و با توجه به اینکه نسل متولدان بعد از انقلاب هنوز در سن باروری قرار دارند، در دهه‌های آینده نیز جمعیت با رشد مثبت افزایش خواهد یافت هرچند تعداد موالید کاهش خواهد داشت و به تبع آن رشد جمعیت هم به اندازه دهه‌های پیش از آن نخواهد بود. با این حال برای حفظ سطح موجود باروری و افزایش احتمالی آن ارائه برنامه‌هایی با اولویت تسهیل شرایط ازدواج جوانان و حمایت از فرزندآوری ضروری است.

علاوه بر میزان باروری کل، یکی از شاخص‌های باروری، محاسبه احتمال فرزندآوری است که نشان می‌دهد زنان در سن فرزندآوری هر فرزند خود را با چه احتمالی و با چه فاصله زمانی از ازدواج و یا فرزند قبلی به دنیا آورده‌اند. محاسبه احتمال

فرزندآوری برای هر کدام از رتبه های تولد می تواند در تعیین سطح باروری گذشته، حال و آینده موثر باشد. نگاهی به جداول مربوطه نشان می دهد احتمال به دنیا آوردن فرزند اول پس از ازدواج در سال ۶۹ بیش از ۹۵ درصد بوده است اما از اواخر دهه ۷۰ این احتمال اندکی کاهش یافته و در سال ۸۸ به ۹۳ درصد رسیده است. همچنین در دهه ۷۰ احتمال به دنیا آوردن فرزند دوم حدود ۹۵ درصد بوده که این عدد در سال ۸۰ به حدود ۸۰ درصد کاهش یافته است.

میمنت حسینی، جمعیت شناس و عضو هیات علمی دانشگاه ملبورن با بیان اینکه طی سالهای اخیر فاصله ازدواج تا فرزند اول اندکی افزایش داشته، می گوید: از سال ۸۰ به بعد میزان زنانی که فرزند دوم خود را به دنیا می آورند مقداری کاهش داشته اما هنوز هم حدود ۷۰ درصد زنان ایرانی فرزند دوم خود را به دنیا می آورند. در مورد فرزند سوم هم شاهد یک روند ثابت از سالهای دهه ۸۰ به این سو هستیم و حدود ۴۵ درصد زنان ایرانی فرزند سوم خود را هم به دنیا می آورند. در مورد داشتن فرزند چهارم و فرزند پنجم، روند کاهشی در کشور کمی تندتر بوده اما باز هم الگو تقریباً در دهه های اخیر ثابت بوده است. این نشان می دهد در سالهای اخیر باروری کاهش نداشته و ثابت مانده است. داشتن فرزند اول در کشور ما یک روند معمول است. خانواده حتی برای اثبات بارور بودن به داشتن فرزند اول تمایل زیادی دارد. در مورد فرزند دوم الگو برای زنان از اقشار مختلف تحصیلی کمی (از ۳ تا ۵ درصد) تفاوت وجود دارد. بیش از ۹۰ درصد زنان بیسواد فرزند دوم خود را به دنیا می آورند اما این عدد برای زنان تحصیلکرده حدود ۷۰ درصد است و در ادامه احتمال متولد کردن فرزند سوم برای زنان تحصیلکرده ۴۰ درصد است. همچنین نیمی از زنان بیسواد یا کم سواد احتمالاً فرزند چهارم خود را به دنیا می آورند. استاندارد جامعه برای داشتن فرزندان بیشتر به طور کلی کاهش یافته است. تعداد فرزندان برای زنانی که متولد سال ۱۳۵۰ هستند و در سال ۹۵ به ۴۵ سالگی رسیده اند و عملاً از سن باروری خارج شده اند حدود ۲.۷ فرزند است.

یک سوم زنان در سنین باروری دارای سه فرزند هستند

یکی از تغییرات در رفتارهای باروری در سال های اخیر، به تاخیر افتادن فرزندآوری است. علاوه بر این، فاصله بین ازدواج و اولین فرزند، فاصله بین اولین فرزند و فرزند دوم و ... بیشتر شده است. در سال ۸۹ فاصله بین ازدواج و اولین فرزند به طور متوسط حدود ۳.۵ سال برآورد شده است و فاصله بین اولین و دومین فرزند نیز حدود ۴.۵ سال بوده است. این رفتارهای باروری سبب شده تعداد فرزندان به دنیا آمده زنان در سنین ۲۵-۲۹ ساله کاهش یابد و این مساله در جامعه به پدیده تک فرزندی یا بی فرزندی تعبیر شده است. علاوه بر آن شیوع بی فرزندی و تک فرزندی در جامعه عموماً براساس نتایج تحقیقات نمونه ای بوده که قابلیت تعمیم ندارد. همچنین این تحقیقات غالباً در شرایط نامطلوب اقتصادی انجام شده و در نتایج به دست آمده در تورم بالا نمی تواند به عنوان رفتار واقعی خانواده ها قلمداد شود.

توزیع تعداد فرزندان زنان براساس رفتار باروری آنان در سال ۸۹ نشان می دهد یک سوم زنان اصلاً ازدواج نکرده اند یا بدون فرزند و تک فرزند هستند. یک سوم زنان ۲ فرزند دارند و یک سوم زنان بیشتر از سه فرزند دارند. این در حالی است که در کشورهایی که باروری بسیار پایینی دارند، تنها ۱۰ درصد زنان سه فرزند یا بیشتر دارند. آمار نشان می دهد این الگوی باروری به زودی سقوط نمی کند اما باید تلاش شود ترکیب تعداد فرزند در جامعه به صورت فعلی که حدود دو سوم زنان دارای ۲ یا ۳ و یا بیشتر فرزند هستند حفظ شود تا باروری از این میزان کمتر نشود.

سیستان و بلوچستان بالاترین میزان باروری و بیشترین بی فرزندی

براساس تعاریف جهانی، بی فرزندی اشاره به وضعیت زنان، مردان یا زوجینی دارد که تاکنون فرزند زنده نداشته اند. با این حال بی فرزندی در سال های پایان باروری شاخص اساسی نرخ بی فرزندی است. این شاخص بیان گر درصد زنانی است که تا سال های آخر حیات باروریشان نتوانسته اند یا نخواسته اند صاحب فرزند شوند که به آن بی فرزندی دائمی گفته می شود. افزایش زنان بدون فرزند در گروه های سنی ۲۴-۲۰ ساله و ۲۹-۲۵ سال در سال های ۸۵ تا ۹۰ قابل توجه و بیان گر تاخیر در فرزندآوری است. در گروه سنی ۳۴-۳۰ و ۳۹-۳۵ ساله حدود ۱۱ درصد و ۵.۵ درصد زنان در سال ۹۰ بدون فرزند بوده اند. کمترین میزان بی فرزندی با ۲.۲ درصد در استان یزد و بیشترین میزان تا ۶.۲ درصد در سیستان و بلوچستان گزارش شده است. البته علت بی فرزندی بالا در سیستان و بلوچستان، بوشهر و هرمزگان با وجود داشتن بیشترین نرخ باروری در کشور، پایین بودن سطح توسعه یافتگی و به ویژه نبود بهداشت مناسب در این مناطق نسبت به دیگر نقاط کشور است.

در دهه ۱۳۵۰ بیشترین میزان باروری در گروه سنی ۲۹-۲۵ سال رخ می داد و پس از آن گروه های سنی ۲۴-۲۰ و ۳۴-۳۰ بالاترین میزان باروری را داشتند. در سال های دهه ۶۰ زوج های جوان فرزندآوری را زودتر شروع کردند اما از سال های دهه ۸۰ بار دیگر الگوی سنی با تاخیر مشاهده می شود و بالاترین میزان باروری در گروه سنی ۲۹-۲۵ سال قرار دارد. در بستر تغییر الگوی باروری، طول دوره فرزندآوری در سال های اخیر به سنین محدودی متمرکز شده است. برآوردها نشان می دهد حدود نیمی از افرادی که در دهه ۷۰ به بعد ازدواج کرده اند آخرین فرزند خود را تا سن ۲۹ سالگی به دنیا آورده اند. پیامد کوتاه شدن طول دوره باروری این است که درصد زیادی از زنان، حدود ۲۰ سال از دوره فرزندآوری خود را قصدی برای داشتن فرزند بیشتر ندارند. براساس تازه ترین نتایج تحقیقات، در فاصله سال های ۹۰ تا ۹۵ باروری در سنین ۳۰-۳۵ روند افزایشی داشته است. همچنین در زنان سنین ۳۵-۴۰ ساله هم شاهد افزایش میزان باروری هستیم که این نشان دهنده به تاخیر افتادن سن فرزندآوری است و رئیس موسسه مطالعات جمعیتی معتقد است افزایش میزان باروری در کشور طی پنج سال گذشته به همین تاخیر در فرزندآوری بر می گردد که از آن با عنوان جبران باروری به تاخیر افتاده یاد می شود.

رابطه معکوس سطح تحصیلات با میزان فرزندآوری

کارشناسان متفق القول معتقدند یکی از موثرترین عوامل در تغییرات نرخ باروری در کشور، افزایش سطح سواد و تحصیلات به ویژه در میان زنان بوده است. سطح تحصیلات با میزان باروری رابطه عکس دارد و افزایش تحصیلات دختران به تاخیر در سن ازدواج و فرزندآوری منجر شده است. در سال ۵۷ تعداد متوسط فرزندان به دنیا آمده از زنان بی سواد ۶.۶ درصد و برای زنان با تحصیلات ابتدایی، دیپلم و بالاتر به ترتیب ۵.۳، ۳.۵ و ۱.۷ بوده است. در سال ۷۹ نیز اعداد مشابهی برای تعداد فرزندان با تحصیلات مشابه ثبت شده است. با توجه به این آمار تدوین مقررات و قوانین حمایتی برای فرزندآوری که امکان ادامه تحصیل، اشتغال و فرزندآوری را همزمان فراهم کند، برای تثبیت و افزایش نسبی باروری موثر است.

بیش از ۵۰ درصد زنان بی سواد یا با سواد پایین تا سن ۲۰ سالگی ازدواج کرده اند. اما نیمی از زنان با تحصیلات دانشگاهی پس از ۲۴ سالگی ازدواج کرده اند میمنت حسینی با تایید نقش تحصیلات زوجین به ویژه تحصیلات زوجه بر میزان باروری می گوید: تحصیلات مستقیم یا غیرمستقیم بر تعداد فرزندان در خانواده تاثیر دارد. الگوی فرزندآوری زنان براساس میزان تحصیلات آنها تغییر می کند. در حال حاضر بیشترین جمعیت زنان کشور در سنین باروری، دارای تحصیلات دیپلم و بالاتر هستند. شروع باروری با ازدواج است بنابراین درصد زنانی که در دوره باروری خود ازدواج می کنند بسیار مهم است و براساس آمار موجود در حال حاضر بیش از ۹۰ درصد زنان تا پایان دوران باروری خود ازدواج کرده اند اما نسبت تجرد و زنانی که در این دوره هرگز ازدواج نکرده اند برای زنان تحصیل کرده بیشتر از کسانی است که تحصیلات کمتری دارند. بیش از ۵۰ درصد زنان بی سواد یا با سواد پایین تا سن ۲۰ سالگی ازدواج کرده اند. اما نیمی از زنان با تحصیلات دانشگاهی پس از ۲۴ سالگی ازدواج کرده اند و چند سالی از سنین فرزندآوری خود را از دست داده اند. پس از ازدواج هم شروع فرزندآوری و میزان تاخیر در آن مهم است. در اینجا هم حدود ۵۰ درصد زنان ازدواج کرده ایرانی تا پیش از ۲ سالگی نخستین فرزند خود را به دنیا آورده اند که این در مقایسه با کشورهای توسعه یافته که باروری پایینی دارند یک آمار منحصر به فرد است.

تعداد فرزندان مطلوب برای زوجین تهرانی ۲.۵ فرزند است

با توجه به کاهش سریع باروری در ایران در سالهای دهه ۷۰ و ۸۰ و رسیدن به باروری پایین تر از سطح جانشینی در سال های پیش از ۹۰، آینده باروری در ایران دغدغه ذهنی بسیاری از افراد شده است. بررسی های اخیر حاکی از آن است که قصد و نیت فرزندآوری زنان همچنان تداوم دارد و تعداد فرزندان ایده آل آنان بیش از ۲ فرزند است. تعداد فرزندان مطلوب برای زوجین در شهر تهران که پیشگام باروری پایین بوده، حدود ۲.۵ فرزند است. بدیهی است باروری خواسته زوجین تحت تاثیر عوامل مختلفی از جمله سطح سن، سن و طول دوره ازدواج، سواد و تحصیلات، محل زندگی، شغل، درآمد و سایر عوامل قرار دارد و برای همه گروههای سنی و تحصیلی یکسان نیست. فرزندآوری امری خصوصی است و برنامه های تشویقی و اقناعی برای زوجین برای تشکیل خانواده و فرزندآوری تا اندازه ای می تواند در شکل گیری ایده فرزندآوری موثر باشد اما اگر زمینه های تحقق باروری ایده آل و مطلوب زوجین فراهم نشود، دستیابی به باروری سطح جانشینی امکان پذیر نخواهد بود. حتی در صورت افزایش باروری، دستیابی به باروری ۲.۵ فرزند دور از انتظار است.